


«هوالحکیم»

«عدم حجیت کشف متواتر»

سخنران:


دکتر باقرپور کاشانی






خب بعضی‌ها استشهاد می‌کنن، حالا بعداً توضیح می‌دیم که می‌گن کشف اگر چنان‌چه به تواتر برسه، از متواتراته، متواترات هم از بدیهیات، و استدلال درست چیه؟ استفاده از بدیهیات برای رسیدن به نظریات! می‌گه خب متصوفه، صوفی‌های بسیاری کشف‌هایی داشتن و یافتن که در این کشف به تواتر که وجودی غیر از وجود پروردگار نیست. خب مگه شما نمی‌گید بدیهیات؟ خب بدیهیات! مگه نمی‌گید نظری باید متوقف به بدیهیات باشه؟ خب ما استدلال می‌کنیم با توجه به مکاشفاتی که صورت گرفته!


این‌جا باید پاسخ بدیم که بله متواترات رو، البته محل بحثه‌ها!






بعضی‌ها متواترات رو جزو بدیهیات نمی‌دونن. حالا گیرم متواترات جزو بدیهیات باشه، نسبت به چیزهایی که مشهود باشه، ملموس باشه، محسوس باشه، چیزایی که در ارتباط با عموم باشه! این رو دیده باشن!


اما خود مسأله‌ی کشف، ولو به تواتر باشه، ما نمی‌دونیم که می‌گیم کشف برای ما کشف واقع می‌کنه! این مکاشفه، بگیم کشف واقع می‌کنه. ما وقتی رؤیت می‌کنیم، حادثه‌ای رو می‌بینیم،





حادثه‌ی غدیر ۱۲۰ هزار نفر گزارش دادن، این فوق تواتره. دیدن
یعنی! حالا تعدادی هم گزارش دادن. اون تعدادی هم که گزارش
دادن، امکان تبانی نبوده، این فوق تواتر بوده.

آیا این به مانند اینه که صوفی‌های مختلفی در سال‌ها قبل که
گزارش دادن مکاشفه رو، خب اون حجّته، این هم حجّیت داره؟
بله، اون یه چیز ملموس و محسوسی بوده! اما این ولو به کرات
باشه، دلیل بر این نداریم که خودش، این بخواد حقیقت و واقعیت
داشته باشه! حجّیت داشته باشه! کشف واقع بکنه! که بعد بگیم
کثرتش رو زیاد بکنیم، می‌رسونه ما رو به تواتر!



این تواتر اعتباری نداره! تواتری اعتبار داره که بله، در عالم واقع باشه!
این معلوم نیست که یعنی یک مسأله‌ی واقعی باشه، یک مسأله‌ی
حقیقی باشه؛ این معلوم نیست این کشف، کشف واقعی باشه یا غیر
واقعی باشه؟!

اساساً کشف باشه یا نباشه؟! کشف باشه یا تجسم اوهام و تخیلات
باشه؟!

کشف، رحمانی باشه یا شیطانی؟ نمی‌دونیم! پس این استدلالی هم که
جمعی کردن، این استدلال نادرستی هست. کشف، حجیت نمی‌تونه
داشته باشه، که حالا به تفصیل در جای خودش توضیح می‌دیم.